

## \* (مکتوب نادری) \*

آنکه امیر مهرباب بیک وزیر هرات بداند که در اینوقت بعرض همایون رسید که آن وزارت پناه در قلعه هرات طرح عمارات عالیه و خلوت و قهوه خانه و حرم سرا بنیاد نموده است و املاک و مستقالات بنا نهاده همچنانکه تدبیر او عرصه را بدشمن تنگ کرده بود و سعت دستگاه او عرصه را براهل قلعه تنگ کرده نواب همایون ما که در رعایت سرای دهر براهل هر مملکت و شهر رتبه سروری

داریم همیشه خانه بدوش و از ساغر زحمت و خونابه رنج جرعه نوشیم آن وزارت پناه که ادنی چاکر این خاندانست با اینکه او را بهیچ قسم در تسخیر آب و گل آندبار حقی نیست بچه جهت ریشه تصرف در خاک آن سرزمین فرو برده و راه و رسم خدمت را فراموش کرده اینکه ادعای قدمت خدمت میکند او را چه خدمتی باین دولت میباشد حکم خر (حمالة الحطب) دارد که مصرفش حمل هیمه و آبست اگر متحمل این بار و بمهمیز ضرب و شتم فرمانبردار شد مشت جوی در آخور او ریخته میشود والا کردن او عرضه شمشیر آبدار خواهد بود در اینمدت بغیر از اینکه مشغول خود سازی بوده و گاهی برسم تفنن مشغول راه و رسم لهو و لعب و گاهی دو برهمزنی را پیشه اندیشه خود نموده دیگر چه کرده بهر حال مقرر فرمودیم که عالیجاهان مشارالیهما عمارات جدیده و حمام و املاکی را که در دار السلطنه هرات و توابع تحصیل کرده بجهت دیوان ضبط نموده و خانه که سکناي او را کفاف دهد بتصرف او بدهند میباید بهمان خانه محقر و سامان مختصر اکتفا نموده بساط بزرگی را که چیده اند برچینند و اوقاتی را که صرف رنگینی اوضاع و تحصیل عقار و ضیاع مینمایند صرف معاش این دولت نماید که بحول و قوه یزدانی مادام که تنور این دولت فروخته است نان جفا کشان این شاهراه پخته است احتیاجی بخردن ستمان و باغ ندارند والسلام